



## رفتار با کودکان

toloos@hotmail.com

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

**امیر توکلی:** در مورد چگونگی تربیت جنسی کودک از ما سوال شده است. والدینی سوال کرده اند که: دلیل ور رفتن بعضی از کودکان، با خودشان (آلت جنسی شان) چیست؟ این خطری برای آنها ندارد؟ کودکان در چه سنی به جنسیت خود، پی می برند؟ در رابطه با جنسیت کودکان، سکس و آمیزش، چه اطلاعاتی و چه موقعی مناسب است؟ برای پاسخگویی به این سوال من به کتابی با عنوان «تربیت کودک» اثر مارکارنکو مراجعه کردم، اما متأسفانه پاسخی امروزی و قانع کننده در این کتاب نیافتم، مارکارنکو مینویسد که در مقابل سوال کودکان در مورد مسائل جنسی بگوئید: «تو هنوز خیلی کوچک هستی، وقتی بزرگ شدی خواهی فهمیدی.» و یا «با شوخی و لبخندی سوال کودک را بی جواب بگذارید و طوری رفتار کنید که کودک سوال خود را از یاد ببرد.» و در جایی مینویسد: «میتوان با توجه به سن کودک درباره مسائل جنسی با او گفتگو کرد در صورت لزوم این گفتگوها باید در نهایت اختفا بین پدر و پسر و یا مادر با دختر صورت گیرد.» خواستم نظر شما را بدانم. آیا با مارکارنکو موافق هستید؟ البته مارکارنکو نویسنده ای با افکار اسلامی نیست اما ظاهراً در برخورد به تربیت جنسی کودکان تفاوتی بین نظراتشان نیست. مدت برخورد در کشورهایی که به این مساله علمی و انسانی میپردازند، چگونه است. مثلاً در کشورهای اسکانندیناوی؟ خود شما در این مورد چگونه برخورد می کنید؟

### قسمت اول

قبل از اینکه وارد جواب سؤالهای شما، شویم. مفید می دانم که بعنوان مقدمه، بطور عمومی در مورد نگرانیهای پدران و مادرانی که در مورد رشد؟؟ سؤال دارند. و پدران و مادرانی که با تعصب خاصی، هر گونه اطلاعات و دانشی را درباره جنسیت کودک و سکس وی و سکس، بطور عام، مضر به حال کودک می دانند بحثی کوتاه، داشته باشیم. من شخصاً با مواردی از این برخوردها، مواجه شده ام. یکی از این موارد، مادری بود که با نگرانی از من سؤال می کرد که چه رفتاری باید با دختر ۷-۸ ساله اش داشته باشد، وقتی که وی کنجکاوانه به آلت تناسلی اش،

صفحه ۴

## شرم آور است!



نوشتن بیهوده است، کلمات توان توصیف این تصاویر را ندارند. انسان را بهتی عمیق فرا میگیرد، غمی سنگین و چشمانی پر از اشک تصاویر را دنبال میکنند. شرم آور است اما حقیقت دارد. درک و فهمش طاقت فرساست، اما برای آن کودک: لازمه لقمه نانی ست. این دیگر اوج نفرت است و این احساس را در چهره آن کودک بروشنی میتوان دید.

صفحه ۶

## مصاحبه با هما ارجمند درباره کنفرانس «کودکان مقدمند»

های آنها را بشنویم، درک و تبیین خود از معضلاتی که کودکان با آن مواجهه اند را ارائه دهیم، یکبار دیگر نشان دادیم که یک تشکل جدی در دفاع از حقوق کودک موجود است و آنرا بیش از گذشته به جامعه شناساندم. باید توجه داشته باشیم که ما به یک معنی تشکل تازه تاسیسی نیستیم و این هم اولین

صفحه ۵



**کودکان مقدمند:** کنفرانس کودکان مقدمند برگزار شد، در گزارشی که در شماره قبل نشریه چاپ شد، کنفرانس پر بار و موفق ارزیابی شد. خواستم نظر خود شما را بدانم آیا به انتظاراتتان با برگزاری این کنفرانس رسیدید؟ بعد از این کنفرانس نهاد «کودکان مقدمند» در کنار فعالیتهای روتین خود، چه برنامه های ویژه ای را دنبال خواهد کرد؟

**هما ارجمند:** همانطور که در گزارش مان گفتیم یک کنفرانس موفق و پر باری داشتیم. به این معنی که تعداد قابل توجهی از فعالین و صاحب نظران در امور کودک را زیر یک سقف جمع کردیم توانستیم نظرات و ایده

# زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

## خانه من کجاست؟



مهرنوش  
معظمی

### قسمت هفتم

محمد اینا را قرض میدی ..... آخه ..... آخه بابام نمیداره، ولی تو ببر و فردا برام بیار ..... او نمی فهمه! و شاهین با توپ نو و گران قیمت و کتاب محمد در خانه مادر بزرگ به زیر زمین رفته بود و پشت آن چمدانهای قدیمی یک جای امن پیدا کرده بود، جایی که سالی یکبار برای تمیز کردن به آنجا می رفتند. ایکاش که محسن در تلفن برای او گفته بود! چرا حالا و چرا پدر و مادر از او شعله پنهان کرده بودند. آن همه تلفن ها به سوئد به اهواز و آن همه آزادی در روزهای آخربولی چرا!

قلب شاهین تند تند میپیچید. او خودش نمیدانست چرا. حس تشویشی ادیتش میکرد. لبهایش خشک شده بود. حال تمام جریان تأیید شده بود.

او میخواست فریاد بزند ولی بغضی گلویش را میفشرد، خواست که ماجرای امانتی ها را به دایی محمود و یا مادر بزرگ بگوید ولی بغض او را رها نمیکرد و کلمات او را میخورد. او قدرت نداشت که بر وجود این بغض مسلط شود. در تمام بعد از ظهر در خانه دایی احمد و در فرودگاه دستانش در دست مادر بزرگ و پدر بزرگ بیمار بود. مادر بزرگ آهسته به زن دایی میگفت: دیدی بالاخره او را برد و دیدی چی شد! این شب آخر ما است. آخ محمد خدا خیرت بده که این پسر شاهپور را به خانه ما آوردی! این دختره عاشق شد و آن سالهای زندان و حالا .... آوارگی این بچه ها و زن دایی گفته بود به مادر بزرگ که مخانم بزرگ چرا این حرفها را میزنی؟ شاهپور را ما سالهاست که میشناسیم و تازه زندان رفتن او ننگ نیست،

او پسر خوبی و بدون زن و بچه هایش زندگی برایش هیچه ... این رژیمه که چی بگم؟ نمیشه جلوی بچه ها حرف زد! خوب که خوبه ولی سر بزرگه، اصلا همه خانواده او سر بزرگ بودند، از پدر گرفته تا برادر و خواهر ... آه چی بگم .. هر کسی قسمتی داره ... و شاهین علی را میدید که در اتاق او بازی میکرد و شاهین باید از راه دور شیشه اطاق او را می شکست و دایی محمود میگفت که نکن نکن ....

شاهین این خانه شماسه .... این خانه شماسه و شاهین فریاد میزد نه ... نه ما خانه نداریم ... ما خانه ایی نداریم ... ما ... خ ..... ا ..... صفحه ۵

## نامه سرگشاده به وزیر امور مهاجرت سوئد در مورد خطر اخراج نزدیک به ۱۵۰ کودک

### متقاضی پناهندگی مبتلا به بیماری آپاتی و خانواده هایشان

چون "خوشبختی و رفاه کودکان" و "برابری حقوق کودکان" که در کنوانسیون حقوق کودک آمده برای دولت سوئد کلماتی تو خالی نیستند؟

بنظر ما فعالین ارگان سراسری کودکان مقدمند منفعت کودکان بر هر ملاحظه و منفعت قومی، ملی، مذهبی، نژادی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک مقدم است و از شما مصرانه میخواهیم که در اسرع وقت به این کودکان اجازه اقامت بدهید.

رفتار هر جامعه با کودکانش محک ارزیابی درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه است. این تصمیم غیرانسانی و ظالمانه باعث میشود که سوئد در زمره کشورهای با سیاست پناهندگی غیر انسانی شناخته شود.

افسانه وحدت

از طرف نهاد کودکان مقدمند

دارد. آیا خود شما جوابی به این سؤال دارید؟

سیاست پناهنده پذیری سوئد این کودکان را به این شدت بیمار کرده. مدت انتظار جهت دریافت جواب درخواست اقامت بسیار طولانی و طاقت فرساست. بلاتکلیفی در طول مدت انتظار برای کودکان شکنجه آور است. این فکر بسیار غیر منطقی است که این کودکان خود را به بیماری میزنند که اجازه اقامت بگیرند. هیچ کودک سالمی خود را دچار این بدبختی نمیکند که با سرم تغذیه شود، پوشک استفاده کند و روزها و ماهها روی تخت بخوابد.

آیا واقعاً همه کودکان در سوئد از حقوق مساوی برخوردارند؟

آیا درست است که کودکان با وضعیت روحی و جسمی خطرناک از سوئد اخراج شوند؟ تصمیمات زیادی گرفته میشود که علیه کنوانسیون حقوق کودکان است. آیا واژه هایی

در یکسال اخیر صدها کودک مهاجر متقاضی پناهندگی دچار بیماری آپاتی شده اند. این کودکان بین مرگ و زندگی دست و پا میزنند و میل به زندگی را از دست داده اند. این کودکان بقدری بیمارند که ارتباطشان با دنیای خارج قطع شده و از خوردن و حرف زدن خودداری میکنند. آنها که وضع حادثی دارند توسط سرم تغذیه میشوند، پوشک استفاده میکنند و روی تخت جابجایشان میکنند تا به علت خوابیدن زیاد بدنشان زخم نشود.

بر طبق گفته خود شما Barbro سوئد تنها کشوری است که کودکان بیمار آپاتی

### دبیر

«کودکان مقدمند»

هما ارجمند

homawpi@rogers.com

### سردبیر

هفته نامه

«کودکان مقدمند»

امیر توکلی

tel: ۰۰ ۳۵۸ ۴۰۵۸۲ ۱۷۷۶

e.mail:

kodakan\_moqadamand@hotmail.com

مسئولین مرکز پخش:

شها خباززاده

سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

ShahIaxabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

با پوزش، به دلیل اشکالات فنی هفته  
قبل موفق به انتشار کودکان مقدمند نشدیم.

ما منتظر اخبار، مقالات،  
نظرات و

پیشنهادات شما هستیم.

# دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

# کنوانسیون حقوق کودک و آلترناتیو

ترجمه متن سخنرانی هما ارجمند در کنفرانس کودکان مقدمند (۱۸ - ۱۹ فوریه ۲۰۰۵)  
(جرح و تعدیلهایی در هنگام ترجمه سخنرانی برای متن نوشتاری صورت گرفته است)

کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید در نوع خود پیشرفت بزرگی را در مقیاس بین المللی در به رسمیت شناختن حقوق کودکان نشان میدهد بخشی از مفاد آن حتی میتواند به مطالبه هر جریان مترقی و ماکزیمالیست در دفاع از کودک قرار گیرد. در این جا به این بخش از کنوانسیون حقوق کودک نمیپردازم و بیشتر فکوسم به کاستیهای این کنوانسیون، تناقضات و نواقص موجود در آن میباشد تا مبنای یک بیانیه مترقی و انسانی در دفاع از کودکان را پایه ریزی کنم. اما تا آنجایی که به اساس انتقاد من برمیگردد در سطح عمومی، دو اصل بنیادی در کنوانسیون حقوق کودک جهت حمایت همه جانبه از کودکان کمزنگ، مخدوش و یا نادیده گرفته شده است. اولاً این اصل که منفعت کودکان بر هر ملاحظه و منفعت ملی، قومی، مذهبی، نژادی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک مقدم است. ثانیاً، این اصل که تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی با جامعه است و دولت موظف است استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان را در بالاترین سطح ممکن تضمین کند. به

اینها در پایین میپردازم: بخش مربوط به کاستی های کنوانسیون حقوق کودک: ۱. این کنوانسیون عاری از هر مطالبه ای که بطور مشخص از حقوق ویژه کودکان دختر و یا حمایت از آنان در قبال ستم مضاعفی که به آنان چه در جامعه و چه در خانواده میباید. همچون: ممنوعیت کار خانگی کودکان دختر، ممنوعیت حجاب اجباری و یا هرگونه محدودیت که مانع شرکت آزادانه و فعال کودکان دختر در فعالیتهای اجتماعی، هنری و ورزشی میگردد، ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیر آمیز، مردسالارانه، پدرسالانه و نابرابر با دختران در نهادها و موسسات، ادارات ... و یا اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، تحقیر و خشونت علیه دختران در خانواده. ۲. این کنوانسیون جز در یک مورد، (حکومتها جهت مبارزه با خرافات و عاداتی که برای سلامتی کودکان زیان بخش هستند، اقدامات لازم و مناسب را انجام میدهند. بند ۲، ۲۴) نه تنها مقابله ای با دخالت مذهب و دستگاههای مذهبی در زندگی کودکان نداشته و یا توصیه نمیکند، بلکه از کودکان در مقابل تعرض وسیعی که مذهب بر تمام وجوه زندگی کودکان در اقصا نقاط جهان داشته، حمایت هم نمی کند. همچون

ممنوعیت دست اندازی مادی و معنوی مذاهب، نهادهای مذهبی و سکتهای مذهبی به کودکان، ممنوعیت جلب افراد زیر ۱۶ سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی، جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش، ممنوعیت مدارس مذهبی برای کودکان، لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل آموزش و پرورش غیر مذهبی هستند، ممنوعیت حمل و یا پوشیدن سمبلهای مذهبی در مدارس، ممنوعیت و لغو کلیه قوانین مذهبی که مانع برخورداری کودکان از یک زندگی خلاق و شاد و شرکت در فعالیتهای اجتماعی، تفریحات مخصوص کودکان میگردد. ۳. جدا از موارد فوق که شامل یک مجموعه از قوانین و حقوق مربوط به کودکان میگردد، این کنوانسیون بطور موردی هم از کاستی های غیر قابل گذشتی برخوردار است حقوق و حمایتهایی که در این کنوانسیون از آن ذکری به عمل آورده نشده بقرار زیر است: الف: مسئله رسیدگی به خلفای جنایی کودکان در مراجع قضایی مخصوص کودکان (تا سن ۱۸) و این که هیچ کودکی را نمیتوان بخاطر نقض قانون در دادگاههای عادی به محاکمه

کشید، ممنوعیت حبس و زندانی کردن کودکان. ب: لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی، اعمال کنترل داراییها، انتخاب محل زندگی، طلاق و مواردی از این دست که بطور غیر مستقیم بر امنیت و سلامتی روحی کودک تاثیر میگذارد. پ: خدمات بهداشتی رایگان، تامین مهد کودک برای همه کودکان جدا از وضعیت خانوادگی کودک، (شاغل بودن و شاغل نبودن سرپرست و یا سرپرستان)، تضمین مسکن مناسب بخصوص برای خانواده های با کودک. ت: تاکید بر حقوق برابر برای کودکان پناهنده و مهاجر، برابری کامل حقوقی کودکان اعم از اینکه داخل یا خارج از ازدواج بدنی آمده باشند و یا در خانواده بیولوژیکی یا غیر بیولوژیکی زندگی میکنند. بخش مربوط به تناقضات و نواقص کنوانسیون: تناقضات این کنوانسیون اساساً ناشی از آن است که رعایت حقوق کودکان مشروط شده است، بنحوی که همان بخش مترقی و انسانی این کنوانسیون نیز مورد تجدید قرار میگردد. اما نواقص آن آنجایی است که حتی همان حقوق و یا حمایتهای مطرح شده در آن از خصلت پیگیر و

ماکزیمالی برخوردار نیستند. در یک سطح کنوانسیون تامین بخشی از مفاد و مطالبات خود را به قوانین جاری، فرهنگ و مذهب غالب کشورهای عضو پیمان گره میزند، که این خود فراگیر و جهانشمول بودن این بیانیه را نقض میکند. از جمله (بند ۴) "حکومتها برای تحقق مفاد این عهد نامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تا آخرین حد ممکن از تمامی منابع موجود ملی خود و در صورت نیاز بین المللی استفاده میکنند". پذیرش آزادی بیان و فعالیت هنری کودک و یا شرکت در اجتماعات و تشکلهای تا حدی که به حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق و عفت عمومی لطمه نزنند. (بند ۱۳ و ۱۵) در مورد استاندارد و سطح زندگی، این کنوانسیون تامین شرایط مطلوب برای کودکان را در مرتبه نخست بعهد والدین و یا سرپرست او میداند و نه دولت. و یا در بند ۳، ۲۷ آمده است که حکومتها بر پایه امکانات و قوانین داخلی خود تلاش میکنند تا به والدین و یا سرپرست قانونی کودک کمک های لازم را نموده ... در مورد آموزش و پرورش

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

ادامه

## رفتار با کودکان

نگاه می کند و یا به آن دست می زند. نمونه دیگری مادری مذهبی بود که با ناراحتی و گلایه به پدگوهایی مدرسه گفته بود که دختر ۶ ساله اش، از دیدن آلت تناسلی همکلاسی پسرش، شوکه شده است و حالش بسیار خراب است. این مادر، خواستش این بود که معلمین مدرسه بچه ها را دائم تحت نظر داشته باشند که آنها هیچوقت فرصت نکنند، در رابطه با آلت جنسی خود و دوستانش کنجکاوی کنند. نمونه دیگری مادری که دختر ۹-۱۰ ساله اش را از بازی و رفت و آمد با پسران ممنوع کرده بود. اما این دختر اجازه داشت که ساعتها با دختر خاله اش که همسن و سال بودند، تنها باشد و بازی کند. یکروز که مادر، سرزده وارد اتاق دخترها می شود، می بیند که دخترها بدون شلوار جلوی آینه ایستاده اند و اندام تناسلی خود را مقایسه و بررسی می کنند. مادر شوکه شده نمی توانست، بفهمد که این کنجکاوی طبیعی است و این اتفاق را یک فاجعه بزرگ در زندگی خود و دخترش می

پنداشت.

کودکان بطور عمومی و تقریبی در ۱۸ ماهگی، بر جنسیت خود، آگاهی کامل دارند. یعنی اینکه اگر ما به صد کودک ۱۸ ماهه بگویم که پسرها در این گوشه این سالن اجتماع کنند و دختران در گوشه دیگر، اکثریت این کودکان به درستی در اجتماع همجنسان خود، جمع می شوند. کنجکاوهای در مورد جنسیت و آلت کودکان، یواش یواش از همین سن شروع می شود. بر حسب شرایط پیرامونی و اطلاعاتی که کودک در مورد جنسیت، آلت تناسلی و سکس دریافت می کند، این کنجکاوها، پاسخ می گیرد و یا اگر کودک به این اطلاعات دسترسی نداشته باشد، سعی می کند که به گونه ای جواب سؤالها و کنجکاوهای خود، پیدا کند. کودکان مهد کودک معمولاً دو تای و سه نفری و یا بیشتر به توالی می روند و به آلت تناسلی همدیگر نگاه می کنند، با هم مقایسه می کنند و این سؤال را می کنند که چرا، آلت تناسلی دختران با پسران فرق می کند. کنجکاو کودکان امری طبیعی است. یکی از عوامل

این کنجکاوها، ما بزرگسالان در جامعه هستیم. ما پدران و مادران، معلمین، برنامه سازهای رادیوها و تلویزیونها و کلاً همه بزرگسالانی که در گرداندن جامعه نقش دارند. این ما هستیم که در همان بدو تولد کودکان، بر جنسیت وی تاکید، می کنیم. با دخترها، به گونه ای و با پسرها، به گونه ای دیگر، حرف می زنیم و رفتار می کنیم. پیراهن دخترانه بر تن نوزادمان می پوشیم و یا کت و شلوار بر تن پسر یکساله امان می کنیم و برایش تولد می گیریم. این ها همه تاکیداتی است که ماها، ندانسته و گاهی دانسته، بر جنسیت کودکان می کنیم. پسر من می خواهد، بداند که چه فرقی با خواهرش دارد. چرا خواهرش پیراهن صورتی مدل پرنسسی می پوشد، اما او با یک گرمکن، می گردد. هزارن نمونه از این دست، تنها بخشی از ریشه های کنجکاوی کودکان ما را در مورد، جنسیت و سکس، نشان می دهد. امیدوارم با این مقدمه کوتاه، هفته آینده به جوانب گوناگون سؤال شما بپردازیم.

مربوطه میدانند. (بند ۱، ۲۶)

در مورد حقوق والدین و یا سرپرست این کنوانسیون تعریفی ندارد در حالی که تاکید میکند حکومتهای عضو پیمان موظفند با رعایت این حقوق از کودکان حمایت نمایند و این در را بروی هر تعبیری از حقوق والدین باز میکند بنحوی که میتواند هر نوع سو استفاده ای را از



## شاهو یاسینی

هر کودکی در بدو تولد بدور از خدا و مذهب به دنیا میآید، اما شرایط حاکم در جامعه ها و خانواده ها بدون کوچکترین مهلتی به آنها، زندگی آنها را محدود، تنگ و آغشته خرافات میکند. به آنها وابستگی به آیین و فرقه هایی از قبیل مسلمان، مسیحی، هندو و یهودی و غیره می آموزند و به آنها تلقین میکنند که خداوند ناظر اعمال آنهاست، و با این روش ترس و وحشت بزرگی در ذهن و افکار سالم کودکان نسبت به این موجود خیالی به وجود می آورند. این ترس و خوف باعث افسرده شدن و پژمردن این کودکان می شود. خیلی از کودکان دارای استعدادها و ضریب هوش بالایی هستند ولی به خاطر زندانی بودن در محیط بسته دینی و افکار محدود ارتجاعی این کودکان مجبور به حفظ کردن مثلاً سوره های قرآن و معنا و تفاسیر آنها و احادیث پیغمبران و امامان می شوند و به این شکل سلولهای مغزی آنها تخریب میگردد. در صورت ابراز عدم رغبت از طرف این کودکان، آنها مجازات و تنبیه جسمی که بخش مهمی از وظایف دینی مسئولین جامعه والدین و جزیی از دستورات و اصول فرقه های مختلف مذهبی می باشد در انتظار آنها خواهد بود. آزار و تجاوز

مبسوط این انتقادات را توضیح دهم و آلتراکتیو آن که "بیانیه حقوق کودک" میباشد را بیشتر باز کنم.

کودک مجاز گرداند. (بند ۳،۲) اینها تنها خطوط اصلی انتقادات ما به کنوانسیون حقوق کودک میباشد. امیدوارم در فرصتهای دیگر بتوانم بطور

## ادامه کنوانسیون حقوق کودک و آلتراکتیو

برسمیت میشناسد ولی در فرستادن کودکان بالای ۱۵ سال به جنگ ایرادی نمیبیند. (بند ۳۸) حق کودک مبنی بر بهره بردن از خدمات و بیمه های اجتماعی را برسمیت میشناسد ولی نیل به این مقصود را در هماهنگی با حقوق جاری و قوانین داخلی کشور

رایگان و اجباری تا سطح دیپلم، کنوانسیون این حق را تنها تا سطح ابتدایی به رسمیت میشناسد. (بند الف، ۱، ۲۸) در مورد کار کودکان، کنوانسیون هیچ گونه محدودیت سنی برای کار کودکان تعریف نمیکنند. (بند ۳۲) کنوانسیون هر چند سن ۱۸ سال را در تعریف از کودک

## مهنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب کودکان

## مصاحبه با هما ارجمند

## درباره کنفرانس «کودکان مقدمند»

ادامه



کنفرانس ما نبود. خود کنفرانس با برنامه های متنوع هنری، آموزشی و فرهنگی یک اجتماع زنده و پر تحرکی بود که نشان از قابلیت های فعالین و مبارزینی در عرصه حقوق کودک داشت که در نهاد کودکان مقدمند گرد آمده اند.

برجسته ترین مباحثی که در این کنفرانس مطرح شد: مسئله تجارت سکس کودکان، مسئله مولتی کالچرالیسم و نقش مذهب در اعمال بی حقوقی به کودکان، وضعیت بی حقوقی و رنجی که به کودکان در ایران می رود و غیرو طرح شد که خود میتواند مبنای سیاسی و نظری بسیار رادیکال و انسانی هر نهاد و سازمان مدافع حقوق کودک در هر نقطه ای از دنیا قرار گیرد. به این معنی این کنفرانس با اصرار بر ایده جهانشمول بودن حقوق کودک با تاکید بر مقدم بودن حقوق کودک جدا از هر ملاحظه اقتصادی، فرهنگی، ملی و مذهبی و.. با نگاه کاملا انسانی، تمامیت خواه و رادیکال خود به مسئله کودکان یک کنفرانس کاملا متمایزی بود و به این اعتبار قابل ارج و تاسی جستن از آن است. همچنین در این کنفرانس ما سرآغاز یک نقد وسیع به کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل را شروع کرده ایم که خود میتواند به جا اندختن یک بیانیه بسیار مترقی و انسانی بعنوان آلترناتیو در سطح جهانی بیانجامد. دیگر آن که در همین کنفرانس

کنفرانس باز و عمومی بود کاری به این نداشت که دور آتی فعالیت های ما را تصویر کند و یا قدم های بعدی ما را تعیین نماید و غیره... و به این معنی اولویت های جدیدی را پیش روی ما نگذاشته است. ولی همه ما معتقد هستیم برای اینکه به یک گروه جلی در زمینه حقوق کودک بدل شویم برای اینکه بتوانیم تاثیر تعیین کننده ای در وضعیت کودکان چه در

ایران و چه در مقیاس بین المللی داشته باشیم، باید به یک اهرم فشار بدل شویم باید اهداف و سیاست ما شناخته شود باید در مسائلی که به کودکان برمیگردد دخالت فعال داشته باشیم و باید کار کمپینی را بطور جدی امر خود بدانیم و غیره... دیگر این که در این دوره روابط مان با فعالین حقوق کودک در ایران را باید گسترش و تحکیم کنیم. در این کنفرانس ما چندین پیام از ایران داشتیم که باعث مباحثات ما بود که دوستان ما در ایران به فکر ما هستند و فعالیت های ما را تعقیب میکنند. این لازمه اش این است که در امور مربوط به کودکان در ایران باید دخالت بیشتری داشت، کمپین های زیادی را در دفاع از حقوق کودکان در ایران به پیش برد و حمایت های بین المللی از حرکت های حق طلبانه ای که توسط نهادها و فعالین حقوق کودک صورت میگیرد را سازمان داد. از نظر اهداف و مطالبات در زمینه حقوق کودک در بین این فعالین ناروشنی های وجود دارد باید در این رابطه مباحث و جدلهای مختلفی را راه انداخت. کودکان مقدمند هم اکنون برنامه های تلویزیونی رو به ایران دارد قصد داریم این برنامه ها را تنوع بخشیده و حتی بیشتر کنیم. دیگر آن که طرح پیشنهادی بیانیه حقوق کودک را داده ایم ولی دنیای از کار هست که باید حول آن انجام بگیرد. اولاً باید در خود نهاد ما با توجه به همه اصلاحیه ها و یا پیشنهادات ارائه شده به تصویب برسد.

## ادامه

## خانه من کجاست؟

ثانیا باید به چندین زبان ترجمه شود و ثالثا حول آن باید به بحث های جدی در سطح جامعه پرداخت تا بطور واقع به یک آلترناتیو بدل گردد. نشریه ما باید از حالت بیشتر خبری بدر آید و به جزئی از یک فعالیت کمپینی تبدیل گردد. باید دفاتر ما در سطح اروپا و آمریکای شمالی هر چه سریعتر ایجاد و شروع به کار کنند و روابط با نهادها و سازمان های مدافع حقوق کودک در این مقیاس ایجاد و گسترش یابد. به این معنی کوهی از کار مقابل ماست که امید من این است بعد از این کنفرانس موفق بتوانیم با تمام نیرو به سراغشان برویم و به سرانجامشان برسانیم.

شاهین و شعله در سالن انتظار با مادر بزرگ و پدر بزرگ روی صندلی های ناراحت نشسته بودند و دایمی ها و مادر و پدر و یک دوست دایمی احمد که در فرودگاه کار میکرد با چمدانها به درون آن سالنهای ناشناس رفته بودند. خارج از فرودگاه شهر تهران در خواب بود و از شدت آن ستونهای سایه دود بر فضای آسمان شهر کاسته شده بود. پدر بزرگ با پشت خمیده در سالن سکندری میخورد. وامانده بنظر میرسید. شعله در روی زانوان خاله در خواب و بیداری بود ولی اشکهایش هنوز میآمد. شاهین چشمانش از خستگی سیاهی میرفت ولی حالا نه، نه دیگر قادر نبود به این آدمهای پیرامونش اعتماد کند. نه دیگر هرگز.... و در درونش تیم فوتبال محله رژه میرفتند و با صدای بلند شاهین را دزد میخواندند. شاهین دزد و محمد با پسرهای محله فوتبال میکرد و برای همیشه با او در قهر بود. او حتی اجازه نداشت که از دور به زمین فوتبال نگاه کند. شاهین برگشت که به مادر بزرگ چیزی بگوید ولی دوباره آن بغض صدایش را بست. فقط دستهایش روی رویوش سیاه مادر بزرگ به حرکت در آمد.

شاهین راه قلب شکسته او را گم کرده بود و در این لحظه دایمی محمود به تنهایی برگشت و با عجله شعله را در بغل گرفت و به شاهین گفت مه باید بروند! ناله مادر بزرگ به دنبال آنها دوید.

محمود... محمود... پس مریم... پس شاهپور، من که خداحافظی نکردم. وای بچه ام رفت. ترا به خدا کاری نکن حاجی آقا!

دایمی محمود ایستاد و آهسته به پدر و مادر و خواهرهای کنجکاو خود گفت: داخل هستند... بهتر که دیگه بیرون نیابند. همه چیز خوب پیش رفت ولی شاهپور خیلی نگران. شماها هم خونسرد باشید و گریه و زاری را بگذارید در خانه دور از چشم اینا... من باید برم و بچه ها را دستتون بدم. دیر شده!

پسرهای محله در ذهن شاهین او را سنگسار میکردند و علی از پنجره اتاق او این منظره را با پوزخند تماشا میکرد. مادر بزرگ داد میزد آه خدای من... این آخرین دیار ماست... محمود خواهش میکنم... خواهش میکنم... بزار منم بیام داخل... محمود... و دایمی محمود ناله او را برید.

بابا خواهر این را ساکت کنید، آخه وقت گریه و زاری نیست! شر درست نکنید! و مادر بزرگ با همان لحن سرزنش خودش جواب میداد: کار تو و احمد بود... شما او را به این پسر سر بزرگ دادید... شیرم حلاتون نباشه... نباشه... نباشه... شعله از خواب بیدار شده بود! نوبت من بود مامان باشم، من میخوام مامان باشم....

دایمی محمود خیلی عجله داشت... شاید با علی پسر مهری خانم قرار داشت که به ماهیگیری بروند و روز جمعه به کوه و یا اینکه اتاق شاهین را برای علی آماده کند...

ادامه دارد

# شرم آور است!

امیر توکلی

نوشتن بیهوده است، کلمات توان توصیف این تصاویر را ندارند. انسان را بهتی عمیق فرا میگیرد، غمی سنگین و چشمانی پر از اشک تصاویر را دنبال میکنند. شرم آور است اما حقیقت دارد. درک و فهمش طاقت فرساست، اما برای آن کودک: لازمه لقمه نانی ست. این دیگر اوج نفرت است و این احساس را در چهره آن کودک بروشنی میتوان دید.

این وضعیت به دلیل جهل و نادانی بشر نیست که کودکان این گونه قربانی میشوند تا باران باراد و یا خدای یوسف از او خشنود گردد. این کودکان خود ما هستند در همین عصر، قرن بیست و یکم در اوج پیشرفت تکنولوژی و تمدن. هیچگاه در تاریخ جامعه بشری، تولید نیازمندیهای انسان همچون امروز بیش از جمعیت کل زمین نبوده است. اما چرا و چگونه است که کودکان هر روزی که میگذرد از شرایط وخیم تری برخوردارند. این چه نظمی است، چه سیستمی است که بر ضد ما باز تولید میشود.

این تصاویر در تاریخ ثبت میگردند. این تصاویر بخشی از اسنادی است که وضعیت کودکان را در قرن بیست و یکم در اوج پیشرفت نظام سرمایه داری نشان میدهد. این تصاویر، اسناد محکومیت این نظام است.

ما فعالین دفاع از کودک باید با بلند کردن این عکسها دنیا را روی سرمان بگذاریم. این تصاویر دنیا را میلرزاند، اکثریت انسانهای دنیا در این حرکت در کنار ما هستند. باید با ایجاد کانونها و تشکلهای دفاع از حقوق کودکان در هر گوشه ای از ایران از زندگی انسانی کودکانمان دفاع کنیم. باید با اعتراضاتمان اوباشان جمهوری اسلامی را به عقب رانیم و خواهان ایجاد امکانات و تامین زندگی کودکان خانواده های فقیر و بی سرپرست شویم. زندگی بهتر برای کودکانمان در گرو فعالیتهای متشکل ماست.



به کودکان مقدمند بپیوندید

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان